



## به نام خدا

### \* نگاه کلی

از کتاب منطق ۱۰ سؤال، از کتاب فلسفه‌ی سال سوم ۵ سؤال و ۱۰ سؤال از کتاب فلسفه‌ی سال چهارم (پیش‌دانشگاهی) طرح شده‌بود که از این جهت باتوجه به حجم سه کتاب، تناسب منطقی و عقلانی برقرار بود و به لحاظ چینش و ترتیب هم ترتیب کتاب‌ها و دروس به‌درستی و دقت فراهم گشته بود. به لحاظ پراکندگی سؤالات با توجه به محتوای فصل‌ها و درس‌های سه کتاب، توازن و تعادل بیش‌تری نسبت به آزمون سال ۹۱ به چشم می‌خورد.

### سؤالات چالش برانگیز امسال:

#### در پرسش‌های درس منطق سؤال ۲۳۹ را با پاسخ گزینه‌ی ۴ با هم بینیم:

۲۳۹- هرگاه بدانیم که قضیه‌ی «هر الف غیر ب است» صادق است، در مورد صدق یا کذب قضایای «بعضی غیر ب الف است»، «هیچ غیر ب الف نیست» و «بعضی الف غیر ب است» به ترتیب می‌توان گفت:

- ۱) قابل تشخیص است - قابل تشخیص نیست - صادق است.
- ۲) صادق است - کاذب است - قابل تشخیص نیست.
- ۳) قابل تشخیص نیست - کاذب است - قابل تشخیص نیست.
- ۴) صادق است - کاذب است - صادق است.

اولی (بعضی الف غیر ب است) عکس مستوی است و صادق. دومی (هیچ غیر ب الف نیست) نقیض همان عکس مستوی است و کاذب. سومی (بعضی الف غیر ب است) تداخل قضیه‌ی اصلی است و صادق. سؤال بسیار ماهرانه طراحی شده‌است و الهام گرفته از آخرین تمرین درس دهم کتاب منطق است.

#### در فلسفه‌ی سال سوم دو سؤال ۲۴۶ و ۲۴۷:

۲۴۶- استفاده از روش تجربی در علوم تجربی نشان می‌دهد که:

- ۱) دانشمندان توجه دارند که این، روش مطمئن برای درک واقعیات است.
- ۲) فقط با این روش می‌توان پدیده‌های طبیعی را به نحو درست درک کرد.
- ۳) از نظر دانشمندان، روش تجربی در کشف واقعیات، موفق و قابل استفاده است.
- ۴) دانشمندان در پی درک پدیده‌هایی هستند که باید آن‌ها را واقعی دانست.

در این سؤال گزینه‌ی ۴ به مفهوم روش تجربی چندان نزدیک نیست بلکه به اصل واقعیت داشتن جهان و قابل شناخت بودن جهان قرابت بیش‌تری دارد و می‌توان آن را در نگاه اول حذف نمود. اما گزینه‌ی ۲ و ۳ با این‌که با هم در تقابل هستند و در یکی قابل استفاده بودن روش تجربه و آزمایش (گزینه‌ی ۳) و در دیگری انحصار روش تجربی در کشف پدیده‌های طبیعت آمده (با قید «فقط» در گزینه‌ی ۲) که بسته به دید دانشمندان مختلف علوم تجربی هیچ‌یک نادرست نیست. در گزینه‌ی ۱ هم که عبارت «توجه» دارند و نه «اعتقاد» شاید این گزینه را هم از جهتی قابل حذف کند؛ در مجموع، دانشمندان



علوم تجربی اعتقاد دارند که می‌تواند به حواس انسان اعتماد کرد و روش تجربه و آزمایش روش مطمئن و درستی برای کشف اسرار طبیعت است. قضاوت با خودتون!

**۲۴۷- کدام یک نمی‌تواند مورد عقیده‌ی سوفسطائیان باشد؟**

- (۱) تعارض سخن جهان‌شناسان، نشان می‌داد که آنان دچار خطا شده‌اند.
- (۲) هر نوع ادعایی، هرچند عجیب به نظر برسد با سخن قابل اثبات است.
- (۳) حق و باطل را سلیقه‌ها و اندیشه‌های اشخاص معلوم می‌کند.
- (۴) تلاش برای نیل به تفسیر درستی از جهان بیهوده است.

استناد سوفسطائیان این بود که چون سخنان جهان‌شناسان با یکدیگر تعارض دارد آن‌ها نتوانسته‌اند تفسیر صحیحی به دست دهند (یعنی دچار خطا شده‌اند دیگر!؛ گزینه‌ی ۱ درست است). در نتیجه دنبال کردن شیوه‌ی جهان‌شناسان را بیهوده دانستند (گزینه‌ی ۴ هم درست است). ... سوفسطائیان هر ادعایی را ثابت می‌کنند ... (پس گزینه‌ی ۲ هم درست است). ... کم‌کم این شبهه در اذهان تقویت شد که چون با بسط مقال می‌توان هر ادعایی را ثابت کرد پس اصولاً هیچ حقیقتی در جهان وجود ندارد. حق و باطل از هم تفکیک‌ناپذیرند و این سلیقه‌ی افراد است که معین می‌کند چه چیز حق است و چه چیز باطل. (گزینه‌ی ۳ نیز درست است) حالا شاید کلمه‌ی «اندیشه» که در کتاب کنار «سلیقه‌ی» افراد نیامده، بتواند این گزینه را برگزیند ولی باز دقیق نیست.

**در فلسفه‌ی پیش‌دانشگاهی سؤالات ۲۵۱ و ۲۵۳؛ سؤال را با هم بخوانیم:**

**۲۵۱- کدام عبارت در مورد فطرت ثانی درست نیست؟**

- (۱) آدمی را از مناسبات زندگی هر روزه می‌گسلد و به تأمل در مورد آن‌ها وا می‌دارد.
- (۲) مسائلی برای انسان ایجاد می‌کند که در نظر بسیاری از مردم فاقد اهمیت است.
- (۳) بدون کنار گذاشتن امور و مسائل روزمره‌ی زندگی، نمی‌توان به آن رسید.
- (۴) بیدار شدن آن در آدمی، حساب سودها و زیان‌های مادی را در هم می‌ریزد.

گزینه‌ای که بتوان آن را بلافاصله انتخاب کرد وجود ندارد. در کلید اولیه‌ی آزمون گزینه‌ی ۳ آمده ولی به نظر حقیر گزینه‌ی ۳ لازمه‌ی عبور از فطرت اول به فطرت ثانی را نشان می‌دهد که فارغ شدن از قید عقل معاش است و گزینه‌ی ۱ که فطرت ثانی، آدمی را از مناسبات زندگی هر روزه می‌گسلد و به تأمل در مورد آن‌ها وامی‌دارد عبارتی کم‌تر دقیق است و می‌تواند پاسخ این سؤال باشد چون فطرت ثانی آدمی را به سوی درک و دریافت حقیقت اشیا و راز هستی روانه می‌کند گرچه این گزینه هم نادرست نیست چرا که فلسفه‌ی جرایب امور روزمره را هم بررسی می‌نماید.

**بپذیریم که سؤال پاسخ دقیق ندارد.**

**این توضیح را درباره‌ی سؤال ۲۵۳ که از متن کتاب آمده بخوانید ...**

ابن سینا برهان سینوی را در نمط چهارم کتاب اشارات آورده و آن را بهترین برهان برای اثبات وجود خدا می‌داند، زیرا تنها یک محاسبه‌ی عقلی ما را به نتیجه می‌رساند (گزینه‌ی ۱) مقدمه‌ای که در آن فرض شده این است که اجمالاً موجوداتی در جهان هست و جهان هیچ در هیچ نیست که این مقدمه بدیهی است (گزینه‌ی ۲ و ۳) یعنی وجود موجود خاصی مسلم فرض نشده بلکه چند اصل قاعده‌ی کلی عقلی ما را به نتیجه می‌رساند. (گزینه‌ی ۴)



### حالا سؤال را بخوانید:

**۲۵۳-** ابن سینا معتقد است که برهان وی در اشارات، بهترین برهان در اثبات وجود خدا است؛ زیرا:

- ۱) براساس محاسبات عقلی ما را به نتیجه می‌رساند.
- ۲) در آن فرض می‌شود که جهان هیچ در هیچ نیست.
- ۳) فقط یک مقدمه‌ی بدیهی در آن فرض گرفته شده.
- ۴) در آن از اصول و قواعد عقلی استفاده شده است.

دلیل ابن سینا برای این که این برهان بهترین برهان برای اثبات وجود خداست استفاده از یک محاسبه‌ی عقلی است که در آن چون از اصل **بدیهی** واقعیت مستقل از ذهن (اجمالاً موجود و بلکه موجوداتی در جهان هست و جهان هیچ در هیچ نیست) استفاده شده اما کلمه‌ی «فقط» در این گزینه‌ی ۳ کمی گمراه کننده است. در گزینه‌ی ۱ و ۴ هم که «محاسبات عقلی» و «استفاده از اصول و قواعد عقلی» آمده و خود آن‌ها هم که باعث بهتر شدن این برهان نمی‌گردد بلکه ساده بودن و مبتنی بودن آن‌ها بر اصل بدیهی واقعیت داشتن جهان، آن را بهترین برهان می‌کند در نتیجه گزینه‌ی ۲ هم که این اصل بدیهی را بیان می‌کند نادرست نیست، اما چون به بداهت آن اشاره‌ای ندارد از گزینه‌ی ۳ ضعیف تر می‌شود. پس ناچاریم گزینه‌ی ۳ را برگزینیم.

سؤالات دیگر کمتر نکته‌ی مبهم داشت و البته در برخی سؤالات هم که دید خلاقانه‌ی طراحان در آن‌ها دیده شد بسیار قابل تقدیر است!

اندیشه‌تان ژرف باد!

**محسن بهادر**